

بسم الله الرحمن الرحيم

پوشش ویژه توسط دفتر مرکزی مطبوعاتی حزب التحریر

پس از دو دهه چنگ صلیبی افغانستان به کجا رسیده است؟

(ترجمه)

به تاریخ 7 اکتوبر 2001م پیشوای کفر_آمریکا_ به همراه متحد خود انگلیس جنگ وحشیانه ای را علیه مسلمانان به راه انداخت. ایالات متحده شهرهای افغانستان؛ از جمله: کابل، کندهار، جلال آباد و برخی از شهرهای دیگر را با راکت‌های تاماهاک، بمب‌افکن‌ها و سلاح‌ها گوناگون دیگر مورد بمباردمان قرار داد. این راکت‌ها و بمب‌افکن‌ها از طریق فضای هوایی، آب‌ها و سرزمین‌های اسلامی پرتاب گردید که متأسفانه حکام خائن به ویژه پاکستان و ازبکستان اجازه چنین جنایت را به این متجاوزان جنایت‌پیشه فراهم کردند که این امر به مدت چند هفته بدون وقفه به طول انجامید. مسلمانان با سلاح‌های ساده ای که در مقایسه با متجاوزین داشتند شجاعت بی‌نذیری از خود در برابر آنان نشان دادند. ولی با این حال، حمله وحشیانه متجاوزین به همراه غدر و خیانت حکام در همسایگی افغانستان باعث شد تا این سرزمین به دست آمریکا در سال 2001م سقوط نماید.

شمار قربانیان افغان در ربع قرن گذشته به بیش از دو میلیون نفر رسید. این تعداد زیادی از قربانیان تنها از دوره آغاز حمله روسیه به افغانستان در سال 1979م تا ختم حمله آمریکا در سال 2001م کشته شدند. متأسفانه میزان فداکاری‌های بزرگ افغانستانی به انتصاب حامد کرزی به حیث دست‌نشانده آمریکا در افغانستان تاج‌گذاری شد.

توافق‌نامه بن که قانون اساسی جدید افغانستان را قلم زد، در 5 دسامبر 2001م به تصویب رسید. آمریکا قطعنامه شماره 1386 را از شورای امنیت برای حمایت از این سند بدست آورد. قانون اساسی که در این سند ذکر شده بود، با پوشش سازمان ملل، نقش برجسته ای را در تصمیم‌گیری در امور داخلی و خارجی مردم افغانستان و نظارت به هر موضوعی در این سرزمین برای آمریکا داد. بناءً، سند مذکور، حضور آمریکا را در تشکیل کمیته قانون اساسی، تشکیل کمیته خدمات کارکنان ملکی، وظایف و صلاحیت‌های دولت، هرگونه تغییر در قوانین مربوط به تمام بخش‌های دولتی و نظارت از تطبیق تمام جنبه‌های این سند فراهم کرد. این بدین معنی است که آمریکا خود را حاکم واقعی این دولت قرار داده است، تا این که الله سبحانه و تعالی چیزی غیر از این بخواهد. این امر نیت پنهانی آمریکا را نشان می‌دهد که هدف این حمله همانا کنترل منطقه اسلامی به عوض ایجاد یک دولت لیبرال بود.

در واقع، آمریکا جنگی را که تحت عنوان مبارزه با تروریسم راه انداخت، مقدمه‌ای از جنگ صلیبی علیه اسلام و مسلمانان است. هدف آمریکا تحکیم بخشیدن هژمونی خود بر سرزمین‌های اسلامی و جدا سازی اسلام از زندگی مسلمانان می‌باشد؛ چنان‌چه که این کار را در افغانستان و عراق انجام داد/می‌دهد. این دقیقاً چیزی است که در پیش‌نهاد خود برای شرق میانه بزرگ ثبت شده است. این یک جنگ صلیبی است که اقدامات نظامی، سیاسی و آموزشی واقعیت آن را نشان می‌دهد و در هر جای از سرزمین‌های اسلامی که آمریکا جای پا پیدا نماید، آن را دنبال می‌کند. حتی بوش پس این هدف را از نخستین روزهای حادثه 9/11 سپتامبر 2001م افشاء کرده بود. وی در سخنرانی خود در 16 سپتامبر 2001م بیان کرد که جنگ با تروریسم یک جنگ صلیبی است. افزون

بر این، این سخن وی چهار روز پس از حادثه انفجار بزرگ بیان شده که این مدت محدود اصلاً برای تکمیل تحقیقات پیرامون این قسم یک حادثه بزرگ کافی نیست. این امر برنامه‌های پنهان شده در پشت پرده سیاسیون آمریکایی علیه اسلام و مسلمانان را آشکار می‌سازد. هرچند او گفت که (این جنگ صلیبی) دشمنان اسلام را به دور هم جمع کرد؛ ولی با این حال مسلمانان را نیز برای مقاومت در برابر آن متحد ساخت.

نیروهای آمریکایی در همکاری با نیروهای بین‌المللی آیساف (ISAF) و رهبری ناتو نتوانستند که کنترل اشغال را به طور کامل جز در پای‌تخت در دیگر مناطق گسترش دهند. تنها کابل به عنوان نمایش‌گاه عملیات نظامی قرار داشت که از بدو اشغال افغانستان توسط آمریکا یک روز هم متوقف نشد.

این همه بیان‌گر آن است که؛ آمریکا افغانستان را در حالی ترک کرد که دم‌اش بین پاهایش بود، بدون این که مذاکراتی را راه بی‌اندازد تا نفوذش را طوری تضمین نماید که اصلاً نمی‌توانست آن را از طریق جنگ بدست بیاورد!

ما در حزب‌التحریر می‌دانیم که در میان طالبان برادران صادق و مخلص وجود دارد؛ از این رو، آن‌ها را مورد خطاب قرار می‌دهیم:

1. این که مساله را درک نموده و گفتگوها با آمریکا را متوقف سازید و برای آمریکا اجازه ندهید چیزی را که از طریق جنگ بدست آورده نتوانست از این طریق بدست آورد.
2. مطمئن باشید از این که مهم‌ترین و اساسی‌ترین قضیه برای مسلمانان قضیه بازگرداندن خلافت پس از یک دوره طولانی غیابت است؛ زیرا، این فرضی‌ست که از جانب الله سبحانه و تعالی دستور داده شده و اطاعت از رسول الله صلی الله علیه وسلم است.
3. و بدانید که مشارکت در حاکمیتی که ترکیبی از اسلام و سکولاریزم باشد را هرگز خدای تعالی قبول نخواهد کرد؛ زیرا الله سبحانه و تعالی چیزی جز طیب را نمی‌پذیرد...

حق این است؛ چون الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: ﴿فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ﴾ «آیا سواي حق جز گمراهی چیزی دیگری است؟» [یونس: 32]. پیروی از حق به تنهایی چیزی‌ست که طالبان، کشور، مردم و تمام مسلمانان را نجات می‌دهد... این چیزی‌ست که حزب‌التحریر شما را نسبت به آن نصیحت فرمود، چنان‌چه که قبلاً در آغاز حاکمیت تان شما را به اعلان خلافت اسلامی نصیحت فرمود. اگر چه شما آن را رد کردید و سپس به اشتباه خود متوجه شدید؛ تا جایی که ملا عمر رحمه الله در یکی از جلسات خود ابراز کرد ولی دیگر دیر شده بود... ما یک بار دیگر همان توصیه را تکرار می‌کنیم، آیا نسبت به آن پاسخ مثبتی است؟

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ ۚ وَعَلَّمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَهِهُ
تُحْشَرُونَ﴾

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون خدا و پیامبر، شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات می‌بخشد، آنان را اجابت کنید، و بدانید که خدا میان آدمی و دلش حایل می‌گردد، و هم در نزد او محشور خواهید شد.

جمعه 20 ذوالحجه 1442 هـ.ق

30 ژوئيه 2021م

مترجم: حذيفه مستمر